



- ۱- معرفی صنعت آموزش و پرورش به عنوان عمده‌ترین تولیدکننده سرمایه انسانی .
- ۲- مفهوم شکست تحصیلی و ابعاد و آثار اقتصادی آن .
- ۳- معرفی مختصر بررسی‌هایی که در ایران در این زمینه انجام گرفته است .
- ۴- نقش انجمن اولیاء و مربیان در کاهش پدیده شکست تحصیلی .

معرفی صنعت آموزش و پرورش

آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیت از زمانهای بسیار دور مورد توجه اندیشمندان و متفکران بوده است . در گذشته، این توجه بیشتر بر جنبه‌های اجتماعی - فرهنگی و معنوی آموزش و پرورش متمرکز بوده و از تأثیر آموزش و پرورش بر اقتصاد جوامع کمتر سخن به میان آمده است .

بحث اقتصاد آموزش و پرورش تقریباً از اواسط قرن هجدهم آغاز شد و به تدریج با پیشرفت تحقیقات اقتصادی، زمینه علمی شدن

نقش انجمن اولیاء و مربیان در اقتصاد آموزش و پرورش

متن سخنرانی آقای مهندس عبدالحسین نفیسی در پنجمین کنگره سراسری انجمن‌های اولیاء و مربیان کشور

موضوع بحث ما " بررسی تأثیر انجمن اولیاء و مربیان بر یکی از پدیده‌های اقتصادی آموزش و پرورش، یعنی شکست تحصیلی " است . این بحث حول چهار محور زیر ارائه می‌شود:

مطلوبیت خود را آشکار می‌کند. مانند غذا، دارو و روزنامه و کالای سرمایه‌ای کالایی است که مطلوبیت آن در آینده بروز می‌کند و این مطلوبیت سالیان متمادی ادامه می‌یابد؛ مانند راهها، ساختمانها، کارخانه‌ها و مدرسه‌ها.

آموزش و پرورش از محدود کالاهایی است که از نظر اقتصادی هر دو نوع مطلوبیت را دارد. یعنی کالایی است دو جنبه‌ای که هم مصرفی است و هم سرمایه‌ای. این خاصیت، ویژگی ممتازی برای آموزش و پرورش به وجود می‌آورد که مورد توجه خاص دولتهاست. دولتها به آموزش و پرورش بیشتر به عنوان کالایی سرمایه‌ای و یکی از اقلام سرمایه‌گذاری دراز مدت نگاه می‌کنند، ولی توده مردم آن را کالایی مصرفی می‌دانند و برای ارضای خاطر خود و دستیابی به مطلوبیت مورد نظرشان به آموزش و پرورش رو می‌آورند. از نظر خانواده‌ها نیز آموزش و پرورش نوعی سرمایه‌گذاری برای آینده فرزندان است.

در ادبیات اقتصاد آموزش و پرورش بیشتر به سرمایه‌ای بودن آموزش و پرورش توجه می‌شود. در بحثهای مربوط به بودجه کشور نیز وقتی قرار است در مجلس شورای اسلامی از فعالیت آموزش و پرورش و بودجه آن دفاع شود، بیشتر جنبه سرمایه‌ای بودن آن مورد تأکید قرار می‌گیرد، زیرا جهت‌گیری دولتها در امر بودجه این است که از هزینه‌های مصرفی بکاهند و بر هزینه‌های سرمایه‌گذاری بیفزایند. از دید اقتصادی، جنبه‌های مصرفی آموزش و پرورش فوق‌العاده مهم است. در بررسی‌ای که به منظور تحلیل اقتصادی نظام جدید آموزش و پرورش انجام گرفته است، سیزده مورد فایده آموزش و پرورش احصا شده است.

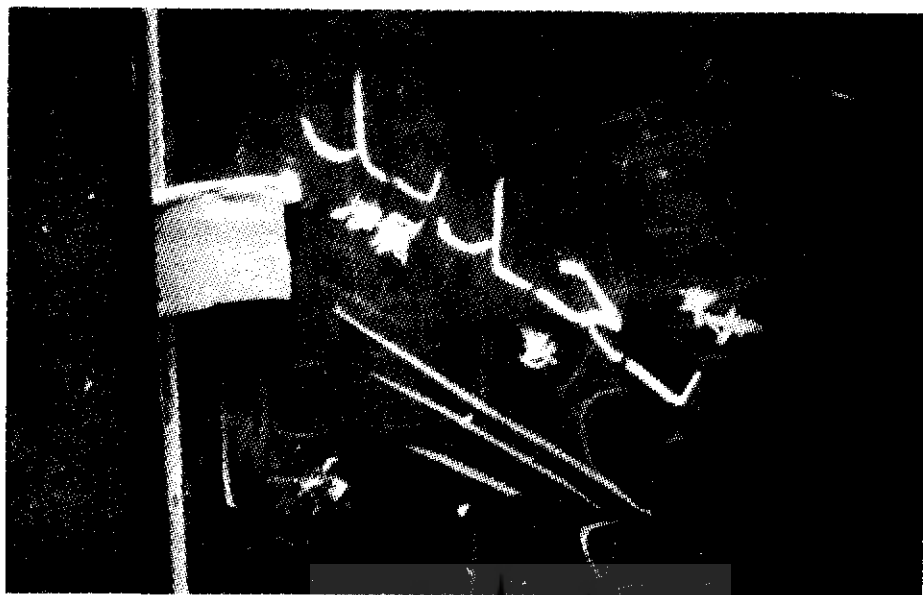
اقتصاد فراهم آمد و سرانجام اقتصاد در قالب یک رشته تحصیلی و گرایش علمی پا به عرصه وجود گذارد. طرح مسائل مربوط به آموزش و پرورش در اقتصاد، کم و بیش از نیمه دوم قرن بیستم آغاز شد. در دهه ۱۹۶۰ میلادی این مسائل در قالبی اساسی جای خود را در اقتصاد باز کرد. در این زمان، ما در اقتصاد با مفهوم "سرمایه انسانی" رو به رو می‌شویم که جنبه معنوی دارد و با سرمایه مادی که محور و عامل اصلی تولید است، رقابت می‌کند. وقتی از سرمایه انسانی سخن به میان می‌آید، این بحث مطرح می‌شود که اگر تولید را به دو عامل اصلی سرمایه و نیروی کار وابسته بدانیم، با ورود سرمایه انسانی به عرصه این فرایند، نیروی کار جنبه کمی خود را از دست می‌دهد و جنبه کیفی آن مطرح می‌شود. پس، سرمایه انسانی عبارت است از: علم و دانش، قابلیتها، ظرفیتها، تجارب و نظم و انضباطی که آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت در جامعه پدید می‌آورد.

این خصوصیات سرمایه انسانی همراه با سرمایه مادی سبب افزایش تولید و رونق اقتصاد و توسعه به معنای اعم کلمه - می‌شود. پس از آنکه مفهوم سرمایه انسانی در اقتصاد پذیرفته شد، مسأله جایگاه سرمایه انسانی در اقتصاد و توسعه مطرح گردید و آموزش و پرورش به عنوان عمده‌ترین نهاد تولید کننده سرمایه انسانی در اقتصاد جایگاهی ویژه یافت. اکنون از دید اقتصادی به آموزش و پرورش نگاه می‌کنیم تا ببینیم که اقتصاد، آموزش و پرورش را چه نوع کالایی می‌داند. در علم اقتصاد کالاها به دو دسته مصرفی و سرمایه‌ای تقسیم می‌شوند. کالای مصرفی کالایی است که پس از تولید مصرف می‌شود و در همان زمان

تا حدودی آشنا شدیم. اکنون بینیم وقتی اقتصاددان‌ها به صنعت آموزش و پرورش نگاه می‌کنند و می‌خواهند آن را با سایر صنایع رقیب مقایسه کنند، چه عواملی را بیشتر مد نظر قرار می‌دهند. یکی از این عوامل، شمار شاغلان است. آموزش و پرورش در همه جای دنیا - بویژه در کشورهای جهان سوم و به طور خاص در ایران - بزرگترین صنعت موجود است و هیچ صنعتی نمی‌تواند از نظر عظمت با آن رقابت کند. در سال ۱۳۷۵ حدود ۹۳۱۰۰۰ نفر نیروی انسانی در استخدام رسمی وزارت آموزش و پرورش کشور ما بوده است که هفت درصد شاغلان بیست ساله و بالاتر کشور را تشکیل می‌دهد (عده شاغلان ۲۰ ساله و بالاتر کشور ۱۳/۱ میلیون نفر است). هیچ صنعتی نیست که حجم عظیمی از نیروها را به این شکل در خود جای داده باشد. در همین سال شمار دانش‌آموزان که به عنوان مواد اولیه در اختیار آموزش و پرورش قرار گرفته‌اند، حدود ۱۸/۶ میلیون نفر بوده است. این رقم ۹۰ درصد جمعیت گروه سنی ۶ تا ۱۷ سال کشور را در بر می‌گیرد. بودجه و سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش ۳/۵ درصد تولید ناخالص ملی و حدود ۱۴/۳ درصد کل بودجه دولت است که بالاترین رقم و سهم از درآمد ملی و بودجه دولت است. بعد از صنعت نفت هیچ صنعتی در اقتصاد کشور به این اندازه سهم ندارد. صنعت آموزش و پرورش با توجه به خصوصیات یاد شده و پوشش جغرافیایی گسترده در سراسر کشور، از نظر اشتغال، مخاطب و سرمایه‌گذاری سالانه یا دراز مدت در اقتصاد کشور، رتبه نخست را داراست. در عین حال به دلیل پراکندگی در اطراف و اکناف کشور، غیر متمرکزترین صنعت

از این موارد، شاید تنها دو مورد جنبه اقتصادی، سرمایه‌ای دارد؛ که یکی اثر آموزش و پرورش بر اشتغال و دیگری تأثیر آن بر افزایش بهره‌وری از طریق آموزشهای فنی و حرفه‌ای و تخصصی است. یازده مورد دیگر به جنبه‌های مصرفی اختصاص دارد. جنبه‌های اجتماعی - فرهنگی نیز آثار پنهان و بسیار پایداری از خود بر جای می‌گذارند. اگر بخواهیم این موارد را فهرست‌وار برشمیریم، می‌توانیم به محورهای زیر اشاره کنیم:

- تأثیر دانش در حفظ بهداشت افراد خانواده.
- کسب درآمد بیشتر از پس‌اندازهای خانواده.
- خانواده هر چه تحصیل کرده‌تر باشد از پس‌اندازهای خود بهتر بهره‌برداری می‌کند.
- اثر تعلیم و تربیت در بهبود مدیریت خانواده که در نتیجه آن قدرت واقعی خرید خانواده افزایش می‌یابد و انجام هزینه‌ها بخردانه‌تر صورت می‌پذیرد.
- تأثیر میزان تحصیلات اولیاء در افزایش بهره‌وری کودکان و پیشرفت تحصیلی آنها.
- کاهش میزان جرایم و مفاسد اجتماعی در اثر افزایش سطح تحصیلات و امثال آن.
- اگر این فهرست را ادامه دهیم، در نهایت فهرستی مفصل از فواید اقتصادی آموزش و پرورش که جنبه مصرفی دارند، به دست می‌آید. در این مطالعه کوشش شده بود با توجه به اطلاعات در دسترس، ارزش ریالی این فواید برآورد شود و نتیجه محاسبات نشان داد که سرمایه‌گذاری برای بهبود کیفیت آموزش و پرورش می‌تواند بانرخ بازگشت سرمایه‌ای قابل توجهی با عموم سرمایه‌گذارهای تولیدی رقابت کند.
- با دید اقتصاددان‌ها درباره آموزش و پرورش



داخلی نیز هست. اکنون که به آموزش و پرورش به دیده‌ی یک صنعت نگاه کردیم، باید بگوییم که هر صنعتی افت، دور ریز و ضایعاتی دارد. ضایعات آموزش و پرورش هم "شکست تحصیلی" است که ما در اصطلاح تربیتی خود به آن "افت تحصیلی" می‌گوییم. بینیم افت تحصیلی چه مفهومی دارد. برای توضیح این مسأله ابتدا به اشکال مختلف افت تحصیلی می‌پردازیم.

هزینه‌ای که برای تحصیل آنها صرف شده به نتیجه‌ی مطلوب نرسیده است. این ضایعه شایع‌ترین شکل افت تحصیلی است.

نوع دیگر افت، ترک زودرس تحصیل است. در این حالت بعضی دانش‌آموزان پس از طی چند پایه‌ی ابتدایی یا راهنمایی، دیگر به تحصیل ادامه نمی‌دهند و به پایان مقطع تحصیلی نمی‌رسند. بنابراین، اهدافی که آموزش و پرورش برای آن دوره در نظر گرفته است، حاصل نمی‌شود، و قسمتی از هزینه صرف شده بلااستفاده رها می‌شود.

مقوله افت در صنعت آموزش و پرورش

از انواع افت در آموزش و پرورش رد شدن و تکرار پایه است.

دانش‌آموزان به دلایل مختلف از جمله شرایط و مشکلات خانوادگی، کم‌کاری شخصی، نامناسب بودن محیط آموزشی و ... ممکن است رد شده، ناچار به تکرار پایه شوند، و یا در نظام واحدی آموزش متوسطه جدید ناچار شوند واحدی را تکرار کنند. در این حالت

تجدید شدن نیز خود نوعی ضایعه و افت تحصیلی است.

از انواع دیگر افت تحصیلی، یکی هم تعلیم و تربیت ناقص یا با کیفیت نامطلوب است. کسی که به فرض با معدل ده قبول شده است، در واقع فقط نیمی از معلوماتی را که یک دانش‌آموز باید فراگیرد، آموخته است. البته این

به قانون، وقت شناسی، همکاری و کار گروهی را در او پدید آوریم و شرایطی را مهیا کنیم که او از نظر اجتماعی مسؤلیت پذیر باشد؛ یعنی خود را در برابر خدا، مردم، محیط زیست و خانواده اش مسؤول و پاسخگو بداند.

کسی که دوره های آموزش و پرورش عمومی ما را طی می کند و فارغ التحصیل می شود، باید حداقل این خصوصیات را دارا باشد. اگر یاد گیرنده ما در جهات یاد شده ضعیف باشد و به اصطلاح کم بیاورد، از نظر اقتصادی ما با خسارت و افت بیشتری روبه رو هستیم.

مطالبی که گفتیم در واقع زمینه های شناخت افت تحصیلی بود. هر چه آمار و اطلاعات ما دقیق تر باشد، افت تحصیلی را می توانیم با دقت بیشتر محاسبه کنیم.

برای احتساب افت تحصیلی بر مبنای پول و ارزش پولی، راه های مختلفی با درجات متفاوتی از پیچیدگی وجود دارد. ساده ترین راه آن است که هزینه سرانه جاری دولت را که برای آموزش و پرورش در نظر گرفته می شود، در عده افرادی که تکرار پایه کرده اند ضرب کنیم. این راهی ساده است که اگر بخواهیم آن را قدری پیچیده کنیم، سهمی از هزینه فضا و تجهیزات مورد مصرف در آموزش را نیز باید به آن بیفزاییم، اگر بخواهیم دقیق تر باشد، باید هزینه های خانواده، نظیر شهریه، خودداری ها، هزینه کتاب درسی، لوازم تحریر و ... را به هزینه های بالا اضافه کنیم. علاوه بر آن هزینه های جنبی نظیر هزینه های اقامت یک دانش آموز روستایی در شهر، کرایه خانه و غذای او و ... هم که جزء هزینه خانواده برای تحصیل فرزندان است، باید افزوده شود. اگر

معدل برای قبول شدن او کافی است، اما اگر بخواهیم علمی تر صحبت کنیم، باید بگوییم که در آموزش و پرورش عمومی مانند آموزش ابتدایی و راهنمایی تحصیلی بلد بودن نصف مطالب، ضایعه است و معدل دانش آموز باید حداقل بالای $\frac{2}{3}$ بالاترین نمره باشد. اگر ما معدل $\frac{2}{3}$ بالاترین نمره را (مثلاً معدل ۱۴) را مبنا قرار دهیم، کسانی که معدل آنها زیر این میزان قرار دارد، به اهداف اصلی آموزش و پرورش نرسیده اند و از هزینه ای که برای آنها صرف شده به هر دلیل نتیجه مطلوب عاید نشده است.

و سرانجام مهم ترین نوع افت در صنعت آموزش و پرورش عدم توفیق در تحقق هدفهای پرورشی است.

این حالت عمیق ترین و شایع ترین نوع ضایعه است و حکایت از آن دارد که در اهداف پرورشی برنامه خود به توفیق کامل دست نیافته ایم. اصل آموزش و پرورش و آنچه کیفیت آموزش را از کمیت آن متمایز می کند، همین جنبه های پرورشی تعلیم و تربیت است که موجب می شود، خصلتهای مطلوب نظر جامعه در یک دانش آموز حاصل شود. در حقیقت این مشکل ترین قسمت کار است. وقتی که ما از سرمایه انسانی سخن می گوئیم، در واقع از فردی صحبت می کنیم که علاوه بر مهارت و تخصص در یک زمینه مشخص، قدرت و خلاقیت و توانایی به کارگیری دانش تخصصی خود را نیز دارد و کار آفرین است نه کارجو. این یکی از ویژگیهایی است که در آموزش عمومی نباید آن را پرورش دهیم. همچنین باید خصیصه هایی چون برخورداری از وجدان حرفه ای، انضباط کاری مطلوب، روحیه احترام

است :

اکنون توجه شما را به مطالعاتی که در زمینه افت تحصیلی انجام شده است ، جلب می‌کنم . در ایران، در مورد خسارت‌های ناشی از افت تحصیلی مطالعات چندانی نداریم، جز یکی دو رساله کارشناسی ارشد که از مقالات مندرج در فصلنامه تعلیم و تربیت اقتباس شده‌اند. چهار مقاله نیز درباره محاسبه خسارت‌های ناشی از افت تحصیلی در سال‌های ۶۵، ۶۶، ۶۹ و ۷۱ در فصلنامه تعلیم و تربیت چاپ شده است و برای سال‌های ۷۳ و ۷۵ نیز محاسباتی انجام شده که ان‌شاءالله در شماره‌های آینده فصلنامه درج خواهد شد.

در این برآوردها، خسارات ناشی از افت تحصیلی بیشتر بر اساس همان تعریف ساده‌ای که در این مبحث ارائه گردید، مطرح شده است. ما در آن محاسبات، افت تحصیلی را در مورد تکرار کنندگان پایه‌های تحصیلی و کسانی که ترک تحصیل زودرس دارند، بررسی کرده‌ایم و افت ناشی از تجدیدی و عدم توفیق در دستیابی به هدفهای پرورشی و همچنین خسارات ناشی از افسردگی‌ها، تزلزل‌های روحی و ... را به حساب نیاورده‌ایم، زیرا در این زمینه آمار و ارقامی در دست نداریم. از نظر هزینه‌ها هم، ما در محاسبه خود هزینه دولت، خانواده و فرصت از دست رفته را به حساب گرفتیم، ولی خسارات ناشی از فرصت از دست رفته اجتماع را که ناشی از روی آوردن دانش‌آموزان مردود به مفاسد اجتماعی است، به دلیل فقدان ارقام و آمار نتوانسته‌ایم مورد محاسبه قرار دهیم .

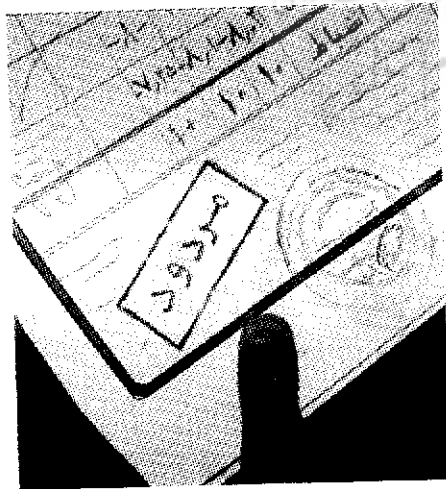
وقتی این مطالعات را که در مورد چهار سال ۶۵ تا ۷۱ انجام گرفته است، با هم مقایسه می‌کنیم؛ می‌بینیم که انتشار این مقالات بر

باز هم بخواهیم دقیق‌تر به این موضوع نگاه کنیم، هزینه‌های فرصت از دست رفته نیز مطرح می‌شود. این یک مفهوم کاملاً اقتصادی است . دانش‌آموزی که یک سال رد شده است، یک سال دیرتر وارد بازار کار می‌شود؛ بنابراین، در این یک سال تأخیر نمی‌تواند آن سود اقتصادی لازم را به خود و جامعه برساند. در محاسبه خسارت‌های ناشی از افت تحصیلی، این هزینه فوق‌العاده سنگین است، ولی چون آموزش و پرورش برای وقت دانش‌آموزان پولی نمی‌پردازد و در حقیقت، وقت آنها را نعمتی خدا داد و بدون قیمت تلقی می‌کند، به نحوه صرف شدن آن هم توجهی ندارد. اما از دید اقتصادی، وقت اضافی که دانش‌آموزان صرف تحصیل کرده و به دلیل رد شدن دوباره سر همان کلاس قبلی نشسته است ، در واقع هدر شده و این هزینه‌ای دارد که باید حساب شود. آخرین نوع هزینه، هزینه‌های اجتماعی است که با پدید آمدن عوارضی چون سرخوردگی، افسردگی، تزلزل روحی، ناامیدی و بی‌نشاطی در دانش‌آموز رد شده مطرح می‌شود. حال، این دانش‌آموز ناموفق یا لنگ‌لنگان به تحصیل ادامه می‌دهد یا ترک تحصیل می‌کند و به جمع مرتکبان جرایم اجتماعی می‌پیوندد. این نیز خود هزینه‌ای به جامعه تحمیل می‌کند که در واقع ناشی از افت تحصیلی است . اگر تمامی موارد و هزینه‌های یاد شده را کنار هم بگذاریم، می‌بینیم که رقم خسارت‌های ناشی از افت تحصیلی که در ابتدای امر کوچک به نظر می‌رسید، بسیار بزرگ است .

معرفی بررسیهایی که درباره خسارت اقتصادی ناشی از افت تحصیلی انجام شده

در سال ۷۶ این هزینه سرانه خیلی بیشتر و به بالای ۴۰۰۰۰ تومان می‌رسد. در سال ۷۱ خسارتهای ناشی از این هزینه، حدود ۶۰۰ میلیارد ریال بود که رقم فوق‌العاده بزرگی است و اکنون در مقایسه با آن به رقم بسیار بزرگتری می‌رسیم.

قدر مسلم آن است که محاسبه این اعداد و ارقام خود به تنهایی ارزشی ندارند، ولی نفس اینکه ما قسمت قابل توجهی از این پول کمیاب و با ارزش را که به زحمت حاصل می‌شود، به صورت افت تحصیلی از دست داده‌ایم و بهره لازم را هم نبرده‌ایم، زنگ خطری است برای همه. هم برای آنهایی که در آموزش و پرورش مشغول خدمت هستند و هم برای کسانی که در بیرون از این نهاد برای آموزش و پرورش تصمیم‌گیری می‌کنند. برای سازمان برنامه و بودجه، مجلس شورای اسلامی، مقامات عالی مملکتی و ... صرف این هزینه‌ها زنگ خطر است و آنها را پیش از پیش متوجه این قضیه می‌کند که باید برای این مسائل چاره‌ای بیندیشند و جلوی صرف این هزینه‌های بیجا را



مسئولان آموزش و پرورش و تصمیم‌گیرندگان کشور آثار مثبتی داشته و سبب جلب توجه بیشتر آنها به این نکات شده است. نتایج این امر را ما در بهبود شاخصها می‌بینیم؛ مثلاً نرخ تکرار در سال ۶۵ در مجموع آموزش و پرورش ۲۰/۵ درصد بوده است؛ یعنی فقط ۸۰ درصد افراد تحت پوشش آموزش و پرورش هر سال قبول شده‌اند. در سال ۷۱ این رقم به ۱۵ درصد رسیده و مطالعات نشان می‌دهد که این روند رو به کاهش است و در سال ۷۳ و ۷۴، ۱۲/۵ درصد را نشان می‌دهد. از نظر اقتصادی اگر تکرار پایه در همان حالت سال ۶۵ باقی می‌ماند، ما در سال ۷۵ به جای ۲/۴۰۰/۰۰۰ نفر، ۳/۸۰۰/۰۰۰ نفر رفوزه داشتیم؛ یعنی مجبور بودیم برای ۱/۴۰۰/۰۰۰ نفر بیشتر از ۱۸ میلیون نفری که در سال ۷۵ در نظام آموزشی داشتیم، امکانات فراهم کنیم. واضح است که این امر از نظر تأمین فضا و معلم برای آموزش و پرورش یک فاجعه به شمار می‌آید. به موازات نرخ کاهش تکرار پایه، از میزان نرخ تارکان تحصیل نیز کاسته شده است. علت اصلی هم این است که ترک تحصیلی با رفوزه شدن رابطه نزدیک دارد؛ یعنی ترک تحصیل در مورد کسانی که رفوزه می‌شوند، بیشتر اتفاق می‌افتد. به خصوص در دختران و در دوره راهنمایی تحصیلی این حالت بیشتر است. حالا اطلاعاتی همراه با آمار و ارقام در اختیار شما می‌گذارم. در سال ۱۳۷۱ هزینه سرانه یعنی هزینه‌ای که صرف نگهداری محصل می‌شود - چه توسط خانواده و چه مدرسه - ۱۴۰۰۰ تومان بوده که باید حدود ۴۵۰۰ تومان آن را خانواده‌ها و بقیه را آموزش و پرورش به صورت هزینه جاری یا استهلاک ساختمان تقبل می‌کرد.

بگیرند.

تأثیرگذارندهایی مؤثر هستند، اقدام کند. مهم‌ترین کاری که در این زمینه باید انجام بگیرد، این است که انجمن اولیاء و مربیان نسبت به محتوای آموزش و فرایند داخلی آموزش و پرورش نظارت بیشتری داشته باشد و در مورد برنامه‌ریزی و هدایت فرایند آموزش و پرورش در داخل مدرسه بیش از پیش اهتمام ورزد و خود را با این‌گونه مسائل درگیر کند. ما باید نگرش دربارهٔ مسائل مالی را به مرحلهٔ آخر واگذار کنیم و به نقش انجمن در همکاری با آموزش و پرورش بهای بیشتری بدهیم. اگر از این دریچه وارد شویم و نگرش موجود را از این طریق تغییر دهیم، خود به خود می‌توانیم مشارکت مالی اولیاء و نهادهای خارج از آموزش و پرورش را هم برای آموزش و پرورش جلب کنیم.

در این زمینه بزرگترین و مهم‌ترین نقش را آموزش و پرورش با اجرای دقیق قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش می‌تواند ایفا کند. این امر با جهت‌گیری دقیق به سمت تمرکززدایی در امور اجرایی، قوت بیشتری خواهد گرفت.

اگر به مدیران منطقه و مدرسه در ادارهٔ امور خود اختیاراتی تفویض شود، زمینه برای تغییر نگرش در مورد وظایف انجمنهای اولیاء و مربیان به شکل بهتری فراهم می‌گردد و شرایط مساعدی برای اعمال نظارت انجمن‌ها بر کلیهٔ فعالیتهای آموزشی و پرورشی مدرسه تأمین می‌شود و در این شرایط خودبخود حساسیت اولیاء نسبت به کیفیت فعالیتهای آموزشی و پرورشی جلب شده، در صورت نیاز امکانات مالی و مادی لازم برای رفع نارساییها توسط اولیاء بسیج خواهد شد.

نقش انجمن اولیاء و مربیان در کاهش افت تحصیلی

قسمت آخر این بحث مربوط به نقش انجمن اولیاء و مربیان در کاهش خسارات اقتصادی ناشی از افت تحصیلی در آموزش و پرورش و اقداماتی است که در این زمینه می‌توان انجام داد.

اگر ادبیات مربوط به علل و عوامل دخیل در بروز شکست تحصیلی و افت در آموزش و پرورش را بررسی کنیم، می‌بینیم که این علل به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند:

۱- عوامل مربوط به درون نظام آموزش و پرورش؛ مثل نامناسب بودن محتوای برنامه‌ها، روشها و امکانات، صلاحیت و شایستگی معلمان و مسائل مدیریت در آموزش و پرورش، نامناسب بودن مقررات و شرایط و فضای مدرسه، روشهای ارزشیابی و سنجش. در این حالت شکست تحصیلی علی‌رغم میل دانش‌آموز و سعی و تلاش خانوادهٔ او اتفاق می‌افتد.

۲- عوامل خارجی: فقر و محرومیت اقتصادی خانواده، شرایط و عوامل اجتماعی و فرهنگی مثل؛ مسائل در زبانه بودن و فرهنگ متفاوت موجود در نقاط مختلف کشور، شرایط و عوامل نامساعد خانوادگی که انجمن اولیاء و مربیان بیش از همه با آنها آشناست و بالاخره، محرومیت‌های محلی و جغرافیایی که ناشی از محرومیت تاریخی است، نه اقتصادی.

انجمن اولیاء و مربیان می‌تواند برای کاهش آثار سوء این عوامل همکاری کند و قطعاً نخست باید دربارهٔ عوامل خارجی که